



من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گلهای معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید...مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتها و حقیقتهاست. و اما مبارزه علمی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۴۱

دوشنبه
۱۹ بهمن
۱۳۸۸
شماره
۴۳۷
۱۵
فجر ۳۱



انقلاب و دمیدن روح اعتماد به نفس

علی فرامرزی

جوان‌های ما به وجود آورد که اهمیتش بیشتر از آن محولی بود که در مملکت ایجاد شد.

و البته این تحول نسل به نسل ادامه یافت، تا امروز که نسل سومی‌های پس از انقلاب نیز ثمره این تحول را درک می‌کنند و به یقین با همه وجود از آن پاسداری خواهند کرد، نسلی که اگر چه شاید در ظاهر به نظر می‌رسد امروز چندان آماده مبارزه و دفاع نیست، اما به وقت دفاع به طور حتم از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد، چرا که این نسل ثمره همان نسل گذشته‌ای است که با افتخار و مسئولیت هر چه تمام‌تر رخدادی را رقم زد که باورش هنوز هم برای خیلی‌ها غیرقابل تصور است. نسلی که آن روز نه فقط از سوی نظام شاهنشاهی جدی گرفته نمی‌شد که در اعماق بسیاری

* اگر امروز انقلاب اسلامی ایران با ورود به دهه چهل سالگی همچنان پرقدردت در برابر همه فشارهای سنگین و غیرمنصفانه کشورهای بیگانه ایستاده است، مرهون همان تلاشی است که جوانان حماسی و پرشور آن زمان خلق کردند

از فشارها و تنگناهای فرهنگی و اقتصادی قرار داشت، تا جایی که آن جوانانی که روزی به حساب نمی‌آمدند، تحول بزرگی به نام انقلاب را رقم زدند و در دوران جنگ تحمیلی در صحنه رویارویی کفر و اسلام حماسه‌های بی‌شماری خلق کردند، به طوری که یک نوجوان ۱۳ ساله با اراده و اعتقاد راسخ خود حماسه‌ای آفرید که مکتب بزرگی به نام «بسیجی‌بودن» را پایه‌گذاری کرد.

پس بی جهت نیست که امروز دشمن تمام سرمایه‌های مادی و معنوی خود را جمع کرده است تا بنیان و ریشه جوان ایرانی را ضعیف و سست کند، چرا که آن‌ها به خوبی می‌دانند که جوانان بزرگترین و ارزشمندترین سرمایه‌های نظام جمهوری اسلامی هستند.

کسی چه می‌دانست، اما محقق شد. وعده‌ای که روزی برای بسیاری دست‌نیافتنی به نظر می‌رسید، سرانجام به ثمر نشست تا ثابت شود «خواستن، توانستن» است، چرا که اگر جوان ایرانی برای انجام کاری کمر همت بیند، بر آن پیروز خواهد شد و هیچ اراده بشری نخواهد توانست کوچکترین خللی به آرمان‌هایش وارد کند و این همان رمز موفقیت بود که ثمره‌ای چون انقلاب و پیروزی در جنگ هشت‌ساله‌ای را رقم زد که تصورش برای بسیاری غیر ممکن بود و به راستی چگونه می‌توان باور کرد جوانی که تازه قدم در راه تجربه کردن گذاشته است خود مبتکر تجربه‌ای باشد که کمترین نتیجه‌اش دستاورد بزرگی به نام «استقلال» است و البته این نتیجه جز با مسئولیت‌پذیری جوان‌هایی که در آن روز محکم پای عقیده‌شان ایستاده بودند، به دست نمی‌آمد؛ جوان‌هایی که اگر چه امروز اسم و رسم‌شان بر سر زبان‌ها افتاده است، اما آن روز نه به دنبال نامی بودند و نه نشانی که به آن مفتخر شوند. بی‌شک اگر امروز انقلاب اسلامی ایران با ورود به دهه چهل سالگی همچنان پرقدردت در برابر همه فشارهای سنگین و غیرمنصفانه کشورهای بیگانه ایستاده است، مرهون همان تلاشی است که جوانان حماسی و پرشور آن زمان خلق کردند. جوان‌هایی که هرکدامشان به مثابه نیروی مجزا بازوان ضعیف کشور را در آن دوران محکم گرفته بودند تا پیکر بی‌جان و قامت خمیده ایران دوباره جان گیرد و راست گردد.

قامتی که چند صد سال زیر بار هرگونه ناملایمیتی از استعمار گرفته تا استعمار کم‌خمر کرده بود و همچنان بی‌طاقت صبر پیشه می‌کرد تا روزی که فریاد برآورد و صدایش را به گوش کسانی رساند که منتظر بودند از زیر بار این همه ذلت و خفت رها شوند.

در حقیقت آگاهی جوانان و مسئولیت‌پذیری آن‌ها موجب شد تا نهضت عظیمی شکل گیرد که در سایه آن آرامش، آسایش و آزادی در کشور به وجود آید، نهضتی که اگر چه امروز شکلش تغییر کرده و وارد مبانی علمی و تحقیقاتی شده است، اما همچنان ماهیت انقلابی خود را حفظ کرده است تا به همگان ثابت کند «نهضت، ادامه دارد.»

نهضتی که به فرموده امام خمینی (ره) تحول بزرگی در

جوانان امروز، پاسداران انقلاب دیروز



یکی از بزرگ‌ترین افتخارات انقلاب محقق آن به دست جوانان بود. انقلاب ایران یک انقلاب جوان بود؛ جوانانی که در رژیم گذشته مورد بی‌مهری قرار گرفتند و توانمندی‌ها و توانایی‌های آنها نادیده گرفته می‌شد، خلافت ، نوآوری و ... جایی در رژیم گذشته نداشت. دغدغه اصلی آن رژیم، حاکم ساختن فرهنگ غربی در کشور و

گرایش به غرب تحت لوای رسیدن به تمدن و تلاش برای پیشرفت بود. با چنین تفکری فرهنگ دینی و ملی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و با ارزش‌ها و باورهای دینی مقابله می‌شد و تلاش می‌نمودند جوانان را با تشویق به فساد و مراکز فحشاء و دامن زدن به آن نسبت به فرهنگ و سرنوشت کشور بی‌تفاوت نموده و فکر و خلافت را از جوانان گرفته و این عناصر سازنده کشور را به عناصری بی‌تأثیر و بی‌مصرف تبدیل سازند. حضرت امام در این باره فرمودند: «اصل برنامه این بود که جوانان ما را به فساد بکشند برای اینکه مبدا یک قدرتی در مقابل‌شان قیام کند. اینها

می‌خواستند هر فکری را که احتمال بدهند این فکر در مقابل آنها است، از بین ببرند.» آنها بنا داشتند جوانان ما را فاسد کنند تا اینکه بی‌تفاوت بشوند راجع به مسایل خودشان و هر قضیه‌ای و هر بلایی سرشان بیاید این جوان دیگر نمی‌تواند فکر کند به این که سر مملکت چه آمده است.

اما تأثیر و حضور پر رنگ جوان تنها به عرصه‌های مقدمه و تحقق انقلاب خلاصه نشد، قشر فعال و پویای جوان ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در همه صحنه‌های انقلاب حضور یافت و اوج حضور آنها در هشت سال دفاع مقدس تجلی یافت. نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد هر زمان که به این سرمایه‌های گرانبها توجه شد، منشأ تحولات عظیم و سرنوشت‌ساز آن کشور شدند. هم‌اکنون درخت تناور انقلاب اسلامی با خون جوانان ایران، در مقابل توطئه‌های داخلی و خارجی دشمنان بیمه شده است.

به برکت انقلاب اسلامی، زمینه حضور جوانان



پس از انقلاب است و می‌توان به آینده انقلاب دلخوش بود. از طرفی حمیدرضا حاجی‌بابایی، وزیر آموزش و پرورش نیز در همایش بزرگ جوانان و آرمان تحقق جامعه تأکید می‌کند که اگر کسی بگوید جوانان امروز ما در جامعه همان جوان اول انقلاب نمی‌شوند من این را قبول ندارم، چرا که امروز در کشور جوانانی داریم که با باورهای دینی و انقلابی در تمام دنیا مثال‌زدنی هستند و علاوه بر آن تعدادشان هم نسبت به اوایل انقلاب بیشتر شده است، در زمان پیروزی انقلاب، جوانان بیشتر از هر قشر دیگری این توفیق را پیدا کردند که با تکیه بر مدیریت و انسانیت، قله‌های پیروزی را فتح کنند و یک جوان ۱۴ - ۱۵ ساله در اوایل انقلاب وقتی وارد جبهه می‌شد پس از دو سال می‌توانست به استاندارد موفقی تبدیل شود کما اینکه فرماندهی یک تیپ یا گردان را هم برعهده می‌گرفت.

از طرفی بسیاری از صاحب‌نظران تأکید می‌کنند که باید ابزار و فناوری‌های لازم را در اختیار جوانان قرار دهیم تا با ایستادگی روی پای خود، در ابعاد سیاسی، اجتماعی، بینشی، دینی، خودمآدادی، دگرآمادادی، هسته‌ای و غیره مجهز شده و با تهدیدات نرم دشمن مقابله کنند، چرا که جوانان امروز بالنده‌تر از جوانان نسل اول انقلاب آماده دفاع از سرحدات کشور و ارزش‌های انقلاب هستند.

علی فخریان، دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات دانشگاه

پریا خدا قلی زاده

در همه عرصه‌های نظام اسلامی فراهم شده است و مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف دستاوردهای گرانبهایی برای جمهوری اسلامی در پی داشت. در شرایط کنونی با توجه به اینکه نیمی از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند فراهم کردن زمینه‌های پرورش فکری و بروز استعدادهای آنان وظیفه‌ای ضروری برای جوانان دیروز و مسئولان امروز ایران اسلامی است. جوانان، حامل و مبلغ ارزش‌های دینی انقلاب هستند و نقش مهمی در حفظ و انتقال آنها برعهده دارند. گواه این



وسایل الکترونیکی، شبکه اینترنت و نشر دیجیتال هنوز انتشار کتاب در شکل سنتی آن رواج دارد، آمار فروش کتاب‌ها و میزان مطالعه آن و آمار کتاب‌خوانی و برگزاری نمایشگاه‌های متعدد و متنوع کتاب در این کشورها به خوبی این مطلب را تأیید می‌کند.

سه: متأسفانه کشور ما با فقر شدیدی در حوزه کتاب‌خوانی روبه‌روست، به طوری که چندان تفاوت نمی‌کند که میزان و معدل مطالعه ایرانی‌ها در سال را چند دقیقه و چند ساعت در نظر بگیریم. هر چه هست این آمار با میزان تحصیل‌کردگان، دانشجویان، دانشگاهیان و دانش‌آموزان قریبت چندانی ندارد. براساس آمارهایی که از سوی مراکز معتبر ارائه می‌شود، در حال حاضر افزون بر ۳ میلیون نفر دانشجوی در کشور تحصیل می‌کنند و همه‌ساله چند صد هزار نفر از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند، اما هنوز هم بسیاری از آثار تألیفی تا ترجمه‌ای در حوزه‌های مختلف از جمله ادبیات، علم، فلسفه، هنر، سیاست و نظایر آن با تیراژهای دو تا سه هزار نسخه‌ای در قفسه کتاب‌فروشی‌های سراسر کشور خاک می‌خورد.

چهار: بالا رفتن آمار مطالعه و به تبع آن فروش کتاب‌ها در اوایل انقلاب (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه در

تهران درباره مسئولیت‌پذیری جوانان انقلابی می‌گوید: جوانان دوره انقلاب با تصویر روشنی که از خواسته‌های‌شان داشتند، برای رسیدن به اهداف انقلاب تلاش می‌کردند. نگاه مسئولیت‌پذیر آن‌ها در قبال این اهداف به فعالیت‌های گروهی‌شان سامان می‌داد و نوعی یکدستی بین آن‌ها ایجاد می‌کرد. همین مسئولیت‌پذیری بوده که ناخودآگاه پتانسیل مورد نیاز چنین همکاری و همدلی را بوجود می‌آورد، زیرا همه این حس را داشتند که دیگری برای انجام مسئولیت‌هایش، هماهنگ عمل می‌کند و هر آنچه از دستش برآید را انجام می‌دهد. ترجیح دغدغه‌های گروهی بر دغدغه‌های شخصی یکی از نتایج مسئولیت آن دوره بوده است.

رحیمی هم که در حال حاضر دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی است در این باره می‌گوید: به نظر من شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سه دهه قبل به گونه‌ای بود که افراد را مسئولیت‌پذیر می‌آورد، اما هم‌اکنون توجه بیش از حد پدر و مادر به بچه‌ها به علت کاهش تعداد فرزندان و افزایش رفاه جامعه و اتکای آن‌ها به والدین این مسئولیت‌پذیری در زندگی شخصی کاهش ملموسی داشته، اما اگر مسایل مهمی در صحنه اجتماعی به وجود بیاید مسئولیت‌پذیری آن‌ها در قبال مردم و جامعه نه فقط کمتر از دوره انقلاب نخواهد بود که به خاطر بالا رفتن آگاهی آن‌ها بیشتر هم خواهد شد.

مطلب، آن است که جوانان با رهبری عالمانه امام خمینی (ره) نقش موثری در روند انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ایفا کردند. جوان امروز هم از جنس جوانان دیروز پر از مقاومت و شجاعت دست در دست هم ریشه‌های انقلاب را پاسداری می‌کنند تا این انقلاب که نه از جنس تاریخ و زمان که از جنس ابدیت است پایدار و باقی بماند.



روی خط خاطره

حمید سبزواری:

سرود «خمینی ای امام» را من قبل از پیروزی انقلاب سرودم، یعنی وقتی که حضرت امام از نجف به پاریس رفتند، در آن موقع اعلامیه‌های حضرت امام به ایران می‌آمد. اگر خاطر دوستان باشد، اعلامیه‌ها وقتی می‌آمد مثل شب‌نامه تکثیر می‌شد. بچه‌ها شب‌ها آنها را در خانه‌های اطراف می‌انداختند و سخنرانی‌ها در نوار کاست ضبط می‌شد و کاستش دست به دست می‌چرخید. به هر صورت این اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها که کاست می‌شد، یک روی نوار خالی بود و عزیزانی که این نوارها را تکثیر می‌کردند، می‌آمدند و می‌گفتند شعری برای آن روی نوار بگو تا ضبط کنیم که فرمایشات حضرت امام که در یک روی نوار بود پوشش داده شود. من هم یکی دو تا شعر دادم یکی «با یاد عاشورا به پا خیزیم»، یکی هم «خمینی ای امام» بود. که الآن شعر «با یاد عاشورا به پا خیزیم» را به یاد ندارم. این تا موقعی ادامه داشت که تقریباً نزدیک تشریف‌فرمایی امام بود. من احساس کردم اگر امام تشریف بیاورد، به اولین جایی که خواهد رفت بهشت زهرا (س) است. چون در جریان‌هایی که قبل از انقلاب پیش آمده بود کشتاری که از مردم کرده بودند، کلی شهید داشتیم. اما سرود امام را که من سرودم و روی نوار ضبط کردم، این نوار در دست مردم بود در ماشین می‌گذاشتند و کسانی که سوار ماشین می‌شدند این سرود را می‌شنیدند و به این صورت تکثیر می‌شد. ضمناً تنها سرود «خمینی ای امام» نبود بلکه یک سرودی نیز برای زندانی‌ها گفته بودم. یادم نیست، یک سرودی که با کلمه زندانی شروع می‌شد...

رضا کریمی